



## طبیعت در اندیشهٔ سعدی

هه لاله امینی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

سارا محمودی<sup>۲</sup>

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۱۵

### چکیده

سعدی را به حق شاعر طبیعت بهاری نامیده اند. تا جایی که بسامد عناصر طبیعت در آثار او به صورت یک خصیصهٔ سبکی درآمده است. طبیعت گرایي سعدی را غالباً ناشی از طبع خوش‌باشی و روح جوان و پرشور و وی دانسته‌اند. اما از این نکته غفلت کرده‌اند که سعدی عناصر طبیعت را به عنوان ابزاری جهت بیان اندیشه‌های والای خود به خدمت گرفته است تا بدین شیوه

---

۱. amini.h1363@gmail.com

۲. saramahmudi77@gmail.com

در ذهن مخاطبانش ماندگار شود. در این مقاله تشبیهات برگرفته از طبیعت استخراج شده و مورد بررسی قرار گرفت. و نتایج حاصل از آن نشان داد که هدف سعدی از کاربرد این عناصر نه فقط القاء روح شادباشی و جوانی در مخاطب بلکه جاودان کردن نام خود تا ابد است. مهم‌ترین اندیشه‌هایی که سعدی با کمک عناصر طبیعت در کلیات آثارش در پی تبیین آنهاست عبارتند از: عشق، پند و اندرز و خودستایی. آنچه در این پژوهش، تازه تر می‌نماید بیان این اندیشه‌ها در قالب تشبیه است که احتمالاً آگاهانه صورت گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** تشبیه، عناصر طبیعت، اندیشه سعدی

### مقدمه و بیان مسأله

روشن است که هر کس برای بیان افکار و اندیشه‌های خویش از عنصر و پدیده‌ای استفاده می‌کند که در دسترس اوست. حوادث، شنیده‌ها، آموخته‌ها و عناصری که پیش روی شاعر است همگی دستمایه‌های او برای تصویرسازیند. نوع ارتباطی که شاعر میان این عناصر و اندیشه‌هایش برقرار می‌کند اگر کلیشه‌ای نباشد، آفرینش ذهن اوست که در آن تصاویر می‌تواند به لایه‌های پنهان اندیشه و سلوک اخلاقی و طبیعی وی، حوادث عصر و مسائل اجتماعی دوره اش دست یافت. در موارد کلیشه‌ای نیز بسامد بالای یک عنصر می‌تواند بیانگر نحوه نگرش و زمینه‌های اخلاقی و اجتماعی باشد. آگاهی که از نتیجه این کوشش به دست می‌آید به مراتب برتر از آن چیزی است که از مطالعه مستقیم کتب تاریخی عاید می‌شود. زیرا کتب تاریخی قدیم، کمتر به جزئیات زندگی مردم پرداخته‌اند. محققان پیشین خصوصاً هانری ماسه برای تبیین اهمیت و جایگاه سعدی در تاریخ ادبیات ایران، تاریخ عصر وی را بازنویسی کرده‌اند و بر اساس کلیات آثار سعدی، اندیشه و مسائل اخلاقی و اجتماعی وی را تبیین کرده‌اند. چنانکه برخی مطالب فصل‌های کتاب «تحقیق درباره سعدی» نوشته هانری ماسه ذیل عنوان «مرد اجتماعی»، «مرد شریف» و «مرد خدا» به صورتی محققانه بر اساس گزاره‌هایی از آثار سعدی فراهم آمده است. ماسه می‌نویسد: «اگر سعدی از نظر شاعری بر روی هم در حماسه به فردوسی، در غزل به حافظ و در عرفان به پای مولوی نمی‌رسد در عوض، در نظاره نکته‌بینانه جامعه و

زندگانی مردم عصر خویش از همه آنان بالاتر است.» (ماسه، ۱۳۶۹: ۲۸۰) در این پژوهش بر اساس عناصری از طبیعت که به عنوان مشبه به در آثار سعدی به کار رفته اند به تاثیر آنها در تبیین اندیشه های سعدی می پردازیم. در واقع سعدی عناصر طبیعی پیرامون خود را به کار می برد تا با استفاده از تشبیه اندیشه های زیبای خود به زیبایی های موجود در طبیعت بهتر آنها را در ذهن مخاطبانش جای دهد و بدین وسیله نام خود را تا ابد جاودان کند. چون از نظر وی مرد نکونام نامیراست. وی در غزلیات به بیان امور احساسی و عشق و در بوستان و گلستان و قصاید به بیان مسائل اخلاقی و پند و اندرز می پردازد. گاهی هم به خودستایی از خود می پردازد. در این مقاله پس از بررسی کل تشبیهات آثار سعدی که یکی از عناصر طبیعت به عنوان مشبه به آنها به کار رفته است چنین استدلال می شود که طبیعت در آثار سعدی نه فقط به دلیل طبع خوش باشی و طبیعت دوست سعدی بلکه به عنوان ابزاری در جهت تبیین اندیشه های شاعر به کار رفته است.

### ۱- بحث و بررسی

سعدی دوستدار طبیعت است. روح بانشاط او با کنج خانه نشستن و زانوی تعبد بغل گرفتن بیگانه است. وی هنگامی که از زیبایی های طبیعت به شگفت می آید ضمیر خود را نیز مانند بوستان و حتی برتر از آن می بیند چون ماندگارتر است. «ذکر جمیل سعدی که در افواه عوام افتاده و صیت سخنش که در بسیط زمین رفته و قصب الجیب حدیش که همچون شکر می خورند و رقعۀ منشآتش که چون کاغذ زر می برند برکمال فضل و بلاغت او حمل توان کرد. گل بستان را بقایبی و عهد گلستان را وفایی نیست اما بستان ضمیر سعدی همواره گل معنی می شکوفاند و در باغ طبع او همه مرغان شکر گفتارند. از این روی برای نزهت ناظران و فسحت حاضران دست به تألیف اثری می زند که باد را بر ورقش دست تطاول نباشد و گردش زمان عیش ربیعش را به طیش خریف بدل نسازد. آثار سعدی به روضه غنأ و حدیقۀ علیایی می مانند که یادآور هشت بهشتند. باغی است که آب رودهایش روان، آوای پرندگانش موزون، این سو

پراز لاله های رنگارنگ و آن سو پراز میوه های گوناگون است و باد در سایه درختانش فرش بوقلمون گسترده است.» (گ/۵)

«انتخاب موضوع وصف طبیعت برای بررسی دو دلیل دارد: یکی آن که این وصف، در اشعار باز مانده از شاعران موصوف، جایگاه در خور توجهی به خود مخصوص داشته است. (در عصری، ۴۱۰ از ۲۲۳۰ بیت؛ در فرخی، ۱۶۱۰ از ۸۷۰۰ بیت؛ در منوچهری، ۱۳۹۰ از ۲۷۳۰ بیت؛ در قطران، ۱۹۰۰ از ۸۱۵۰ بیت)؛ دیگر آن که از تحقیق در این زمینه آشنایی با آن «سنن کلامی و فکری» حاصل می‌شود که بذر گسترش و پرورش مضامین را در دوره‌های ادبی بعدی در بردارند و این خود به درک ارزش و اهمیت شعر غنائی فارسی کمک می‌کند.» (سمیعی گیلانی، ۱۳۷۵: ۱۱۸)

بسامد عناصر طبیعت در آثار سعدی بخصوص در تشبیهات وی چشمگیر است. حال سوال اینجاست که چرا سعدی عناصر طبیعت را به عنوان چاشنی اصلی آثارش برگزیده است؟ آیا هدف او از این انتخاب ایجاد التذاد و شادی در روح مخاطبان خود است یا به اهداف دیگری نیز اندیشیده است؟ برای یافتن پاسخ این پرسش به بررسی تشبیهات موجود در آثار سعدی که عنصری از طبیعت مشبه به آنهاست می‌پردازیم.

«بررسی صور خیال شاعرانه یکی از راه‌های تشخیص افتراق و اشتراک آثار ادبی است. بررسی از این دیدگاه در نهایت، سبک و ارزش هنری اثر را روشن می‌سازد و میزان قدرت و نوآوری و بهره‌گیری از میراث گذشتگان را مشخص می‌کند.» (طالبیان، ۱۳۸۱: ۹۸)

«همه جنبه‌های معنایی یک اثر، قسمتهای زنده‌ای از یک کل پیچیده است که جوهر وحدت بخش آن ذهن نویسنده است. به منظور وقوف بر این ذهن نباید به آنچه درباره نویسنده می‌دانیم رجوع کنیم - نقد زندگینامه‌ای ممنوع است - بلکه صرفاً به جنبه‌هایی از آگاهی او بپردازیم که در کارش منعکس است. بعلاوه ما با «ژرف ساختهای» این ذهن سروکار داریم که می‌توان آن را در مضامین و نگاره‌های مکرر صور خیال جستجو کرد. در پرتو چنین ادراکی است که می‌توانیم دریابیم نویسنده جهان خود را چگونه زیسته، یعنی میان خود به مثابه یک ذهن و جهان به مثابه یک عین چگونه مناسبت پدیدارشناختی برقرار کرده

است.» (ایگلتن، ۱۳۸۰: ۸۳) بنابراین استدلالها ما بر اساس بررسی عناصر مخیل یک اثر می توانیم به اندیشه های پنهان در آثار شاعر نیز دست یابیم.

اگر شعر را تصویر طبیعت و شاعر را صورتگر آن بدانیم، می توان گفت که سعدی از این لحاظ از سرآمدان است. وی چهره خاصی از طبیعت را در آثار خود برگزیده است: طبیعت بهاری را. تا جایی که او را باید شاعر نقاش طبیعت بهاری نامید. از این لحاظ شعر سعدی بسیار نزدیک به شعر جاهلی است. فصل بهار در نظر اهل بادیه، منشأ روزی است. بدین جهت در شعر جاهلی اوصاف زیادی برای بهار ذکر شده است که همگی ناظر بر حیات مادی آنها، به انگیزه دستیابی به آسایش و دوری از سختی نه ناظر بر حیات روحانی آن بوده است. در شعر سعدی نیز وصف جلوه های بهار بسیار آمده است. وی به فصل بهار و جوانی طبیعت بیش از فصل سرما علاقه نشان داده است. در ذهن او بهار تداعی کننده وصل (بهار وصل غ/۴۶۱) و زمستان یادآور فراق است (غ/۴۳۶، ۴۱۹):

برخیز که می رود زمستان	بگشای در سرای بستان
نارنج و بنفشه بر طبق نه	منقل بگذار در شبستان
وین پرده بگوی تا به یکبار	زحمت ببرد ز پیش ایوان
برخیز که باد صبح نوروز	در باغچه می کند گل افشان

(غ/۵۲۵)

از زمستان در این غزل به مانند پرده ایی یاد شده است که ز پیش ایوان زحمت برده تا باغچه گل افشان، فرصت جلوه گری پیدا کند.

در عوض آنجا که از بهار یاد می کند شعر او موزون تر و کلام آهنگین تر است و مضمون هم سرشار از روح طراوت و نشاط:

صبحم از مشرق برآمد باد نوروز از یمین عقل و طبعم خیره گشت از صنع رب العالمین

(غ/۵۲۵)

بیان شاعر از طبیعت غالباً یک بیان احساسی است. به همین خاطر آن جا که وی می خواهد نشاط آور و شادی بخش و آن جا که می خواهد سوزناک و تأثرانگیزند. او به بیان جزئیات

توجهی ندارد بلکه در یک نگاه گذرا و موجز با حداقل الفاظ و تصاویر بهترین مضمون را به ما می‌رساند.

سعدی طبیعت را بدان شکل و صورت می‌بیند که هست و همان صفت را برایش به کار می‌برد که درون آن وجود دارد. نه آنرا بال و پر خیال می‌بخشد و نه در پی ساختن تصویری متعالی است. از همین روی مدام این تصاویر تکرار می‌شوند با همان ویژگیها و طرح و شکل - همانگونه که در طبیعت هستند- و فقط گاهی این مضامین اندیشه وی هستند که عوض می‌شوند. ناگزیر ما در میان عناصر تخیل سعدی با نوعی تکرار عنصر و مضمون مواجهیم. اما با وجود این ایستایی باز هم این تصاویر بسیار سرزنده و پویا به نظر می‌رسند و مخاطب را نه تنها ملول و دلزده نمی‌کنند بلکه غالباً روح شور و نشاط را نیز در او می‌دمند.

آنچه که تصاویر طبیعت آثار سعدی را از دیگران متمایز کرده است این است که هدف شاعر از آوردن این تصاویر فقط کسب التذاذ و تصویرآفرینی نیست بلکه هدف اصلی او به خدمت گرفتن آنها جهت تبیین و تلقین اندیشه هایش در ذهن مخاطب است. سعدی در صد بالایی از اندیشه‌های خود را در تشبیهات خود بیان می‌کند. و استدلال می‌شود که این انتخاب به عمد صورت گرفته است چون تشبیه عنصری جذاب برای مخاطب است. تشبیه وسیع‌ترین عرصه برای خودنمایی طبیعت است. سعدی با بهره‌گیری از ساختار تشبیه مضامین اندیشه اش را در کلامی موجز ترسیم می‌کند. بنابراین گرچه سعدی تصاویری را که می‌آفریند تکراری هستند اما وی این تصاویر را می‌آفریند تا بر ذهن مخاطب اثر عمیق تری بگذارد و از عنصر تشبیه هم برای رسیدن به این منظور استفاده می‌کند.

شاعر با شور خاصی به وصف سروده‌های خود می‌پردازد:

سعدی دل روشنت صدف وار هر قطره که خورد گوهر آورد

شیرینی دختران طبعت شور از متمیزان برآورد

شاید که کند به زنده در گور در عهد تو هر که گوهر آورد

(غ/۴۲۵)

عجب است پیش بعضی که ترست شعر سعدی

ورق درخت طوبی است چگونه تر نباشد؟

(غ/۴۳۱)

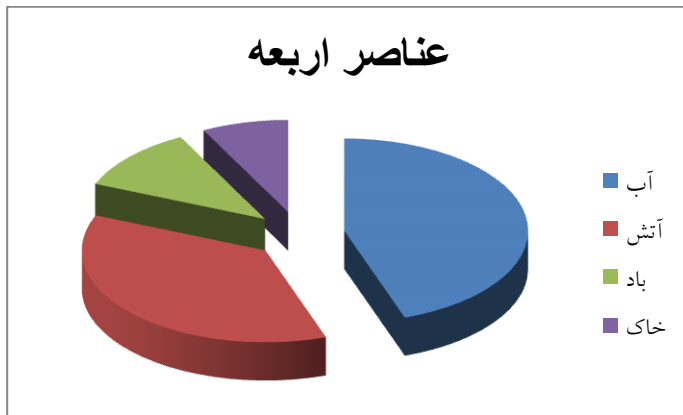
شعر سعدی بیشتر از نثر او با تصاویر طبیعت آمیزش پیدا کرده است و البته غزلیات وی از این لحاظ بسیار غنی ترند. و تشبیهات شاعر نیز در میان سایر عناصر خیال از جمله استعاره، مجاز و کنایه بهره بیشتری از تصاویر طبیعت دارند.

«تشبیه وسیله‌ای است برای قرین ساختن واقعیتهای طبیعی و واقعیتهای بیرون از طبیعت. زیبایی طبیعت در نهایت باید تنها در زیبایی صوری شعر جلوه گر شود. شاعر با تشبیه موصوف را به درجه‌ای می‌رساند که به بیان شاعرانه و استادانه درآید. با ساده‌سازی و پیراسته‌گری و ظرافت هنری بخشیدن به تصاویر، بیشترین تأثیر و انفعال با کمترین کلمات القاپذیر می‌گردد» (پیشوائی، ۱۳۷۹: ۱۵۲).

۱-۲- عناصری که در شعر سعدی به عنوان «مشبه به» کار رفته‌اند در چند دسته زیر تقسیم بندی شدند: عناصراربعه، عناصرآسمانی و اجرام سماوی، درختان، باغ، بستان، گلستان و مظاهر آنها و حیوانات.

#### ۱-۱-۲- عناصر اربعه :

در مجموع عناصر اربعه شامل: آب، آتش، باد، خاک؛ و مشتقات آنها مثل گردباد، دریا، شعله و... ۱۹۷ بار در آثار سعدی به کار رفتند. که ما بسامد آن‌ها را در قالب یک نمودار دایره‌ای به تصویر کشیدیم.



آب با ۸۸ مورد پر بسامدترین عنصر است که سعدی به اشکال و حالت‌های مختلف از آن نام برده است: آب، باران، بحر، دریا، چشمه، جوی، شبنم، سیلاب، برف.

مثال: دریای عشق(غ/۳۹۴)، باران اشک(غ/۳۶۵)، برف پیری(غ/۴۴۷) و...

آتش با ۷۷ مورد دومین عنصر پرکاربرد دیگرست. سعدی با اسامی: آتش، نیران، اخگر و دود از آن استفاده کرده است.

مثال: آتش عشق(غ/۴۴۸)، نیران شوق(ب/۲۷۰)، حسودی که چو اخگر در آب افتاده(ب/۳۰۰) و...

باد سومین عنصر از لحاظ میزان کاربرد در میان عناصر اربعه است و به این اسمها از آن نام برده: بادصحرا، بادمخالف، بادصبح، تندباد، بادصبا، سموم، نسیم.

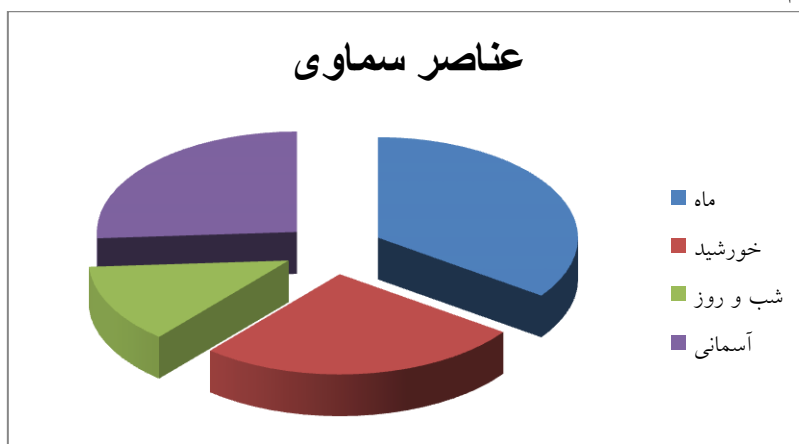
مثال: باد فلاشی(غ/۳۶۴)، دوران بقا که چون باد صحرا گذشته(گ/۵۷)، نسیم لطف(۶۴۷) و... خاک چهارمین عنصر است: گل، گرد، خاکدان، ذره.

مثال: آدمی چو خاک افتادگی کند(ب/۲۶۴)، گرد محنت(ب/۲۲۲)، خاکدان هستی(غ/۵۰۳)

و...

## ۲-۱-۲- عناصر آسمانی و اجرام سماوی :

سعدی ۲۴۸ مورد از عناصر سماوی در آثار خود استفاده کرده است که ما در نمودار زیر آن را نشان دادیم.





ماه با ۸۷ مورد استفاده بیشترین بسامد را داراست که سعدی فقط در ۷۵ مورد تشبیه از آن برای بیان زیبایی معشوق استفاده کرده است. و این یک نکته جالب اشعار سعدی است. بنابراین یک خصیصه سبکی هم به شمار می رود. او بجای بیان همه زیباییهای معشوق فقط می گوید معشوق من مثل ماه است. و بیانی کاملتر و موجزتر از این توصیف وجود ندارد.

مثال: (مورد): ماه روی (سایر/۶۸۲)، ماه پیکر (ب/۲۲۰)، ابروی هلال یار (غ/۴۴۰)، ماه رخ (غ/۵۸۱)...

آفتاب بعد از ماه پرکاربردترین عنصر از میان عناصر سماوی است و ۶۶ بار اسفاده شده است. و مثل ماه بیشترین کاربردش با ۵۶ بار برای بیان زیبایی معشوق است.

مثال: آفتاب رخ (غ/۵۶۹)، خورشید عشق (غ/۴۵۷)، شمس بناگوش (غ/۵۷۵)...

شام و صبح یا شب و روز با ۳۲ مورد دیگر مشابه به های مورد استفاده شاعرند.

مثال: روز عمر (ب/۲۱۶)، شب فراق (غ/۴۰۱)، زلف معشوق چو شام است (غ/۳۹۴)، یار صبح بی خورشید است (غ/۴۷۵)...

و در نهایت اجرام آسمانی شامل: میغ و ابر، فلک، سپهر، ستاره، رعد و برق و... با ۶۵ بار کاربرد از دیگر عناصر پربسامد در تشبیهات سعدی هستند.

مثال: ابر چشم (غ/۴۰۷)، چشم یار نجم است (غ/۴۶۵)، برق جمال (غ/۴۵۶) و...

سعدی در چند تشبیه جالب بین موم و خورشید همانند ذره و خورشید تقابل ایجاد کرده است: موم در برابر خورشید ناپدید می شود.

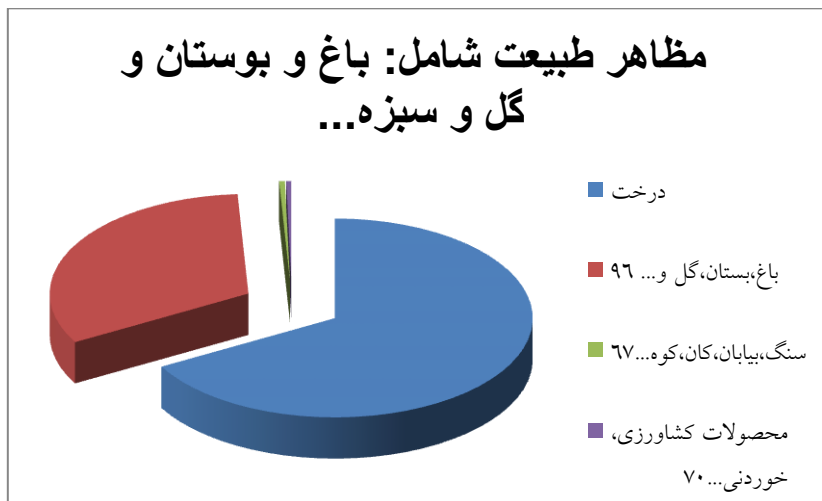
موم و خورشید (۵ مورد)، مثال: عاشق چو موم است در برابر خورشید وجود معشوق (غ/۴۲۶)...

### ۳-۱-۲- باغ و بوستان و سراپستان و گلستان و مظاهر آنها :

عناصری و شامل: باغ، بوستان، گلستان، درخت، گل و چمن و سبزه و خار، کشت و زرع و میوه ها، کوه و سنگ، بیابان و... با ۳۳۲ مورد کاربرد پربسامدترین عناصر از میان کل عناصر طبیعی آثار سعدی هستند.

استدلال می‌شود که بسامد بالای این عناصر نشانگر روح پراثرژی و طبع همواره جوان

سعدی هستند.



مثال: باغ حسن (غ/ ۳۶۰)، باغ طبع (غ/ ۴۴۲)، بوستان روی (غ/ ۵۷۰)، منظر حسن (غ/ ۳۶۵)، دشت محبت (غ/ ۳۹۰)، روضه انس (غ/ ۵۲۱)، گلستان صفا (غ/ ۴۵۸)، گل روی (غ/ ۳۷۸)، دهان یار غنچه است (غ/ ۵۶۵)، وفا میان اهل ارادت چون شکوفه است (غ/ ۴۸۶)، گلشن خوشبو یار است (غ/ ۵۲۰)، نیلوفر پریخ چو نیلوفر در آب است (غ/ ۳۹۰)، گل سوری (معشوق گل سوری برگلبن است، غ/ ۴۳۴)، سنبل (سنبل زلف، غ/ ۵۴۳)، زعفران (زعفران چهره، غ/ ۴۵۷)، لاله (لاله روی، غ/ ۴۶۱)، نسترن (رنگ و بوی یار رونق نسترن را برده، غ/ ۴۷۹)، ارغوان (خدارغوانی، غ/ ۵۸۴)، بنفشه (بنفشه زلف، غ/ ۵۶۷)، سبزه خط (غ/ ۳۶۷)، برگ تنهایی (غ/ ۴۰۴)، مهر گیاه عهد (غ/ ۵۸۳)، پیش رخ شکرین یار عاشقان چون نی انگشت می‌خایند (غ/ ۴۵۹)، درخت قامت (غ/ ۴۷۷)، نهال یار (غ/ ۵۴۱) و...

نکته ای که در مورد این دست‌ار مشبه به‌ها قابل تأمل است بسامد بالای چند مورد مشبه به نسبت به سایر موارد است. به‌طور مثال سرو پربسامدترین درخت در میان سایر درختان است و غالباً هم برای بیان قد و قامت و زیبا و موزون معشوق مورد نظر شاعر است.

مثال: سرو قامت (غ/۵۶۴)، یار سرو روان است (غ/۵۸۸)، قدیاری از سرو چالاکتر است (غ/۳۸۶)...

عناصر کشت و زرع و محصولات و خوردنیهای طبیعت (۲۰۶ مورد):

میوه (عام)، سیب، به، بادام، پسته، قصب الجیب، انار، ترنجبین، رطب، تخم خرما، سیر (۶۲ مورد):

واژه عام میوه (۶ مورد): بر سعادت (سایر/۷۷۸)، میوه سخن (غ/۳۸۴)...

سایر موارد (۵۶ مورد): سیب زرخندان (غ/۴۴۰)، به زرخندان (غ/۵۲۵)، بادام چشم (غ/۵۳۰)، پسته دهان (غ/۵۳۰)، قصب الجیب حدیث (گ/۲۵)، تربیت نااهل را چون گردکان بر گنبد است (گ/۳۵)، خون در دل افتاده چون نار می خندد (ب/۲۴۴)، ترنجبین وصال (سایر/۶۸۵)، محاسن چو رطب بر بار است (سایر/۶۸۳)، فردا چو تخم خرما پایمال کنند (سایر/۶۹۰)، شقاوت یکی را چو سیر برهنه کرده (ب/۲۳۶)...

شهد، جلاب، شکر، نیشکر، قند، انگبین، نبات، ماورد (۲۵ مورد): شهد ظرافت (ب/۲۲۰)، زهر در حلق عشاق از

دست یار چون جلاب می رود (غ/۳۶۹)، شکر و صل (غ/۴۳۷)، یار نیشکر است (غ/۴۸۸)، سخن سعدی قدیمصری است (غ/۵۶۹)، دهان یار نبات است (غ/۵۵۲)، روی یار چو ماورد است (سایر/۶۸۹)...

دانه، تخم، خرمن، کشته، خوشه، گندم، پنبه (۳۳ مورد): دانه خال (غ/۴۴۰)، تخم عبادت (سایر/۶۸۰)، خرمن نیکنامی (ب/۳۴۰)، کشت عمر (ب/۳۳۵)، ابنای زمان مثال گندم اند (غ/۳۷۹)، موی یار تا کمر چون خوشه است (غ/۵۷۱)، پنبه غفلت (ب/۲۱۲)...

مشک، نافه، عنبر، مشک تتاری، توتیا، غالیه، نافه ختن (۸ مورد): مقالات سعدی را چو نافه ختن می برند (غ/۵۸۶)، خار یار نقطه غالیه است (غ/۵۲۴)، خاک زیر پای یار توتیای چشم است (سایر/۷۰۴)، خط ماهرویان چو مشک تتاری است (سایر/۶۱۶)، انفاس عنبرین بو (سایر/۶۷۷)، چو نافه روی در هم کشیدن (سایر/۶۶۰)، انشاء سعدی در فارس چو مشک اندر ختن بی قیمت است (ب/۱۸۹)...

کوه، کان، سنگ، صحرا، تیه، بادیه، بیابان (۶ مورد): کوه وقار (سایر / ۶۸۱)، کان کرم (سایر / ۶۸۱)، تیه قربت (ب / ۱۸۸)، بادیه هجران (غ / ۴۱۲)، بیابان عشق (غ / ۴۲۰)، صحرای قیامت (سایر / ۶۵۳).  
 زهر (۳ مورد): زهر جدایی (غ / ۴۳۷)، زهر فراق (غ / ۵۳۸) ...  
 سنگ (۶۹ مورد):

سنگدل (۳۸ مورد): سنگدل (غ / ۴۲۰)

سایر موارد (۳۱ مورد): سنگ غم (غ / ۵۸۱)، سنگ ملامت (غ / ۳۶۳)، سنگ جفا (غ / ۵۷۴) ...

#### ۴-۱-۲- حیوانات :

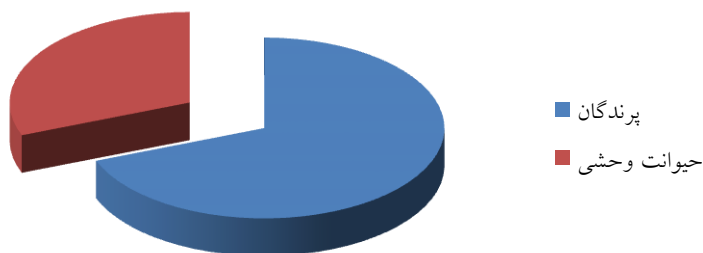
##### حیوانات

حیواناتی که در آثار سعدی نام آنها به عنوان مشبه به ذکر شده با ۱۴۸ مورد کاربرد چند دسته اند: پرندگان، چهارپایان و خزندگان.

اگر پرندگانی که اسامی آنها در لابلای آثار سعدی آمده را جمع کنیم یک باغ پرندگان رنگارنگ خواهیم داشت.

زاغ، مرغ زیرک، طوطی، بلبل، خروس، طاووس، باز، کبوتر، شهباز، شاهین، بوتیمار، خفاش، پرستو، کبک، فاخته، تذرو (۵۸ مورد):

#### حیوانات شامل: پرندگان و درندگان و ...



عاشق در دام معشوق مرغ زیرک است (گ/ ۸۰)، معشوق طوطی شکرخاست (گ/ ۱۳۴)، سعدی چو بلبل گویاست (سایر/ ۶۹۷)، آدمی باز سپید روضه انیس است (سایر/ ۶۹۵)، قاضی ها چون خروسان شاطر به جنگ با هم دعوا کردند (ب/ ۲۶۸)، طاووس حسن (غ/ ۵۶۷)، دل در بر چو کبوتر می تپد (غ/ ۵۲۸)، معشوق شاهباز است (غ/ ۳۶۳)، شاهین غم (غ/ ۴۹۰)، عاشق چو زاغ بانگی می کند (غ/ ۴۰۴)، سواد زلف چو پرپرستو است (غ/ ۵۳۶)، یار مثل کبک می خرامد (غ/ ۵۴۰)، یار بی مهرتر از فاخته است (غ/ ۵۴۰)، یار تذرو رفتار است (غ/ ۵۶۷)، عاشق چو بوتیمار نشست (غ/ ۵۱۶)، عاشق چو خفاش در روز روی نهان کرده (غ/ ۵۲۰)...

واژه مرغ یا مرغ زیرک یا مرغ لبق ۲۰ مورد به کار رفته است : مرغ دل (غ/ ۴۴۱)، مرغ وصل (غ/ ۴۷۲)، عاشق مرغ لبق است (غ/ ۴۱۴)...

یوز، سگ، دد، هژبر، شیر، روباه، عقرب، مار، پلنگ، شعبان، بهایم و دد و وحش (۲۶ مورد) : چو بهایم خموش باش (ب/ ۳۳۰)، عرفا چو دد ز آدمی می رسند (ب/ ۲۵۲)، مار سر زلف (غ/ ۴۱۱)، عاشق چو سگ درگاه معشوق است (غ/ ۴۳۸)، چو عقرب چپ و راست دویدن (ب/ ۳۲۸)، برو شیر درنده باش ای دغل (ب/ ۲۳۸)، میانداز خود را چو روباه شل (ب/ ۲۳۸)، دو دشمن بر هم چون پلنگ سر از کبر برکردند (ب/ ۳۳۵)، چو شعبان دندان به زهر آلودن (ب/ ۲۷۲)، لشکری چو هژبران جنگی (سایر/ ۶۹۶)، پیری چو یوز در پیری به تکه پنیری قناعت کرده (گ/ ۱۳۶)...

حشرات (۱۹ مورد) :

پروانه (۱۵ مورد) : عاشق پروانه است (غ/ ۴۳۵)...

مگس (۴ مورد) : هزار طوطی چو سعدی پیش قند وجود یار مگس اند (غ/ ۴۷۷)

سایر موجودات (۴۰ مورد) :

ماهی، مور، پیل، کرم، موش، غزال، آهو، خارپشت، خیل، سمند، گربه، ستور، کره توسن، شتر، خر، نخجیر (۴۰ مورد) : ماهی گور (ب/ ۳۳۴)، آدمی که به فکر فرو رفته را به خری در گل مانده تشبیه کرده (ب/ ۳۰۶)، زاهدی چو گربه زانو به دل برنهاد (ب/ ۲۷۴)، سمند سخن (ب/ ۲۶۸)، چو موش دندان از آهو فرو بردن (ب/ ۲۴۴)، نفس رعنا چو سرکش ستور است (ب/ ۲۶۸)

(۳۳۶)، چو خارپشت گوئیا سوزن در اعضا شاعر می رود(غ/ ۴۲۳)، معشوق غزال است(غ/ ۴۲۲)، آهو چشم(غ/ ۵۸۵)، نخجیر دل(غ/ ۵۷۷)، یار آهو گردن است(غ/ ۵۳۱)، عاشق زمام اختیار خود را چو شتر به دست ساربان داده(معشوق)(غ/ ۵۲۸)، چو مور میان به خدمت بستن(غ/ ۵۹۴)، دل از دست رفته چو کره توسن است(غ/ ۴۸۱)، شاهزاده ای چو پیل گردنش به تن فرو رفته(ب/ ۳۲۱)، چو کرم پيله بر خود تنیدن(ب/ ۲۴۹)، نیش سخن(غ/ ۴۸۲)...

جانوران افسانه ایی(۵ مورد) :

ازدها، سیمرغ، هما، عنقا،(۵ مورد) : مرگ ازدها است(سایر/ ۶۹۵)، چو سیمرغ نشستن(سایر/ ۷۰۴)، همای شخص عاشق(غ/ ۴۰۸)، عنقای صبر(غ/ ۵۴۱)

- بلبل با ۲۱ مورد و پروانه با ۱۵ مورد از جانداران مورد توجه سعدی اند. نماد وجود عاشق یا خود شاعر هستند.

- روباه نماد بی دست و پایی و وضعی و تنبلی و شیر نماد قدرت و از دسترنج خود خوردن است.

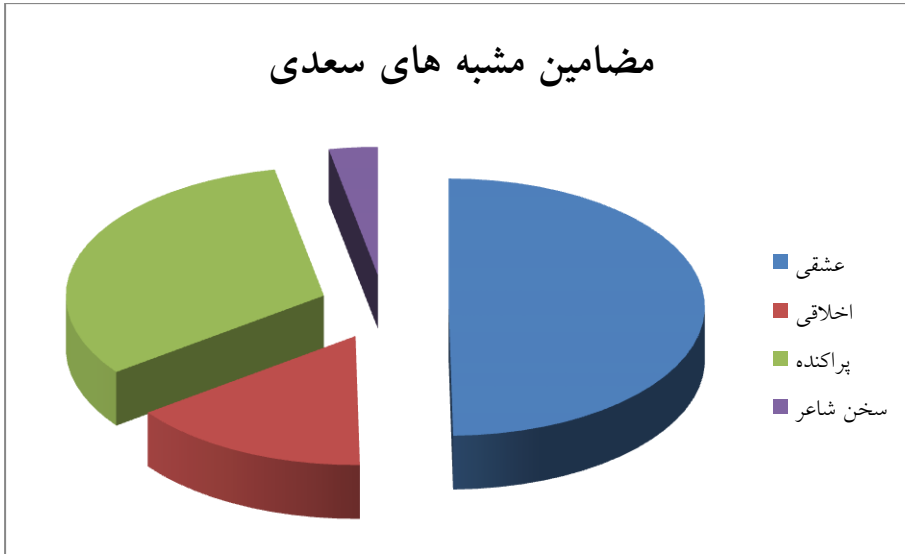
- مور نماد بی آزاری و تلاش و کوشش است.

۲-۲- تشبیهات سعدی با وجود تنوع بی نظیر و جذابی که دارند؛ غالباً برای بیان چند اندیشه محوری شاعر استفاده شده اند: عشق، پندوانداز، خودستایی.

سعدی پژوهان بارها به این ویژگی های آثار سعدی اشاره کرده اند اما آنچه تاکنون به آن پرداخته نشده است و دستاورد این پژوهش محسوب می شود این است که سعدی این سه محور مهم اندیشه هایش را در ساختار تشبیه گنجانده است. و همانطور که ذکر شد این انتخاب آگاهانه و به منظور اثرگذاری عمیق تر بر ذهن مخاطبان است. تا شاعر بدین وسیله نام خود را در تاریخ جاودان کند که سعدی بارها در آثارش به آن اشاره کرده است.

چون کام جاودان متصور نمی شود خرم تنی که زنده کند نام جاودان(قصاید/ ۴۲)

در نمودار زیر به میزان کاربرد هر یک از اندیشه های سعدی که به عنوان مشبه به کار رفته اند، اشاره شده است.



### نتیجه گیری

آثار سعدی به معنی واقعی کلمه با طبیعت همیشه سرسبز در ارتباط است. سعدی را باید شاعر نقّاش طبیعت بهاری دانست. شعر وی بیشتر از نثر او با تصاویر طبیعت آمیزش پیدا کرده است و البته غزلیات وی از این لحاظ بسیار غنی ترند. در میان چهار عنصر تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه، تشبیه بیشترین بسامد را دارد و تشبیهاتی که مناظر طبیعت در ساختار آنها به عنوان عنصر مشابه به قرار گرفته ۱۱۷۹ مورد هستند. تشبیه وسیعترین عرصه برای خودنمایی مناظر طبیعت درون کلیات آثار سعدی است. سعدی با بهره گیری از ساختار تشبیه مضامین اندیشه اش را در کلامی موجز ترسیم می کند. در این پژوهش بسامد تصاویر طبیعی به کار رفته در تشبیهات کل آثار سعدی در قالب جدول نشان داده شده است. جلوه های طبیعی انعکاس یافته در آثار سعدی از نظر تنوع ایستا هستند و غالباً در کل آثار سعدی تکرار می شوند، با همان ویژگیها و طرح و شکل. اما اصالت تجربه و احساس و ارتباط مستمر شاعر با طبیعت باعث

شده است که این تکرار سبب دلزدگی نشود. نکته مهمی که در مورد عناصر طبیعی موجود در آثار سعدی حائز اهمیت است استعمال عناصرخیال آثار سعدی در آثار شعرای قبل از اوست. اما چون این عناصر مولود زندگی و محیط طبیعی پیرامون شاعرند بسیار پویا به نظر می‌رسند. عناصر طبیعت در آثار سعدی دو دسته اند: جاندار و بی جان. عناصری که در شعر سعدی به کار رفته اند به چند دسته زیر تقسیم بندی شده اند: عناصر اربعه، عناصر سماوی، باغ و بوستان و گلستان و مظاهر آنها، حیوانات.

### منابع و مأخذ

- ۱- پیشوایی، محسن. (۱۳۷۹). «طبیعت در معلقه امریء القیس»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۵۵، ص ۱۵۲.
- ۲- سمیعی گیلانی، احمد. (۱۳۷۵). «وصف طبیعت در شعر غنائی فارسی»، نامه فرهنگستان، شماره ۸، ص ۱۱۸.
- ۳- شیرازی، مصلح الدین سعدی. (۱۳۸۶)، کلیات سعدی، تصحیح محمد علی فروغی و به کوشش بهاء الدین خرمشاهی، چاپ پنجم، انتشارات دوستان.
- ۴- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۰)، صورخیال در شعر فارسی (تحقیق انتقادی در تطور ایمازهای شعر پارسی و سیر نظریه بلاغت در اسلام و ایران)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات آگاه.
- ۵- ماسه، هانری (۱۳۶۹)، تحقیق درباره سعدی، ترجمه غلامحسین یوسفی و محمد حسن مهدوی اردبیلی، چاپ دوم، تهران: انتشارات توس.
- ۶- ممتاز، فریده (۱۳۸۳)، «معرفی طبقه از دیدگاه بوردیو»، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۲-۴۱، صص ۱۶۰-۱۴۹.
- ۷- وحید، فریدون (۱۳۷۶)، «گامی در قلمرو جامعه شناسی در ادبیات»، نامه انجمن جامعه شناسی ایران: مجموعه مقالات (۲)، صص: ۳۳-۴۶.
- ۸- طالبیان. نیک پناه. (۱۳۸۱). «مقایسه صور خیال در شعر بیدل و نیما». مجله علوم اجتماعی و انسانی شیراز. دوره ۱۷. شماره ۲